



احمد شاه ((وحدت))  
Ahmad Shah (Vahdat)  
A. K. P. O.

# صفحه و نو



هفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

۴ صفحه : ۲ روپیه پاکستانی  
۲۰۰ افغانی

UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P. O. BOX: 1073



محترم استاد خلیلی در دیدار با هیأت اعزامی شورای نظار :

## انحصار طلبی و خصومت با خواسته های عمومی ملت، اساسی ترین عامل بحران کشور است

• در افغانستان باید حاکمیتی ایجاد شود که حقوق همه، اقتدار کشور را احترام بگذارد. هر کسی و هر جناحی که بدون نظر داشت ترکیب و واقعیت های اجتماعی کشور عمل کند، محکوم به شکست است.

• دکتر عبدالرحمن، مولوی عزیز، ذره و پهلوان یحیی در ترکیب هیأت شامل بودند.

روز شنبه ۱۳۷۴/۱۰/۹ محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی، هیأت بلند پایه حاکمیت انحصاری کابل را به حضور پذیرفته و پیرامون اوضاع و انکشافات کنونی در قضایای سیاسی- نظامی کشور با ایشان بحث و مذاکره نمودند. به گزارش خبرنگار «صفحه نو» هیأت دولت انحصاری کابل که به سرپرستی دکتر

با تهاجم شدید جبهه فاشیستی بر خطوط دفاعی حزب وحدت اسلامی

## یکبار دیگر تاکتیک صلح و جنگ حاکمیت فاشیستی به اثبات رسید

\* برای تهاجم کنونی، نیروهای تازه نفس جبهه فاشیستی جمع آوری شده اند.

\* مدافعین حزب وحدت اسلامی از مواضع خویش قاطعانه دفاع نمودند. (ص ۴)

شبکه تشیع درباری از توافقات آتش بس، برای بخش پول و خرید عناصر معامله گر استفاده میکند (ص ۴)

## تهاجمات جبهه فاشیستی در دره شیخ علی به شکست انجامید

\* اجساد پنج نفر از مهاجمین به خاک سپرده شده و دوتن از مجروحین آنان تحت مداوا قرار دارند.

گزارشهای رسیده از ولایت پروان حاکیست که به روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۳۷۴/۱۰/۶ و ۱۳۷۴/۱۰/۷ نیروهای حاکمیت انحصاری دست به یک سلسله تهاجمات ناکام بالای مواضع دفاعی حزب وحدت اسلامی زدند که در اثر مقاومت فداکارانه مدافعین ضد فاشیستی به شکست انجامیده و دشمن بابر جای نهادن چندین کشته و زخمی و آوار به عقب نشینی گردید.

طبق این گزارشها اجساد پنج نفر از مهاجمین در حدیره بی نزدیک چشمه سیوک به خاک سپرده شده و دو نفر مجروح آنان تحت تداوی قرار گرفته اند. لازم به یاد آوری است که حملات اخیر حاکمیت انحصاری در زمانی شدت می گیرد که هیأت های عالی رتبه این رژیم و دولت ایران، غرض مذاکره و ختم جنگ به بامیان و مزارشرف مسافرت می کنند.

بر اساس تصویب شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی

## محترم آقای ذکی به حیث والی ولایت بامیان مقرر گردید

(ص ۴)

در جلسه سران حاکمیت انحصاری

## طرح چهار جانبه، حزب وحدت اسلامی، معقول ترین طرح سیاسی خوانده شد

\* طرح مذکور در سال ۱۳۷۱ از طرف حزب وحدت اسلامی به منظور ختم معضلات کشور پیشنهاد شده بود.

یک منبع نزدیک به حاکمیت انحصاری طی قاس با خبرنگار «صفحه نو» خبر داد که سران حاکمیت انحصاری در یک جلسه علنی خود، ضمن اعتراف به اشتباهات گذشته خویش، طرح چهار جانبه بی را که از طرف حزب وحدت اسلامی به منظور ختم بحران و معضلات کشور پیشنهاد شده بود، معقول ترین طرح سیاسی خوانده، گفتند که اگر حالا هم زمینه تطبیق طرح مذکور مساعد

در مصاحبه با بخش فارسی رادیو بی بی سی

## محترم استاد خلیلی پیرامون انکشافات اخیر در اوضاع سیاسی کشور روشنی انداختند

\* کلید تمام قضایا در دست استاد ربانی و حاکمیت کابل است که کشور را از این وضعیت فعلی چگونه نجات میدهند.

\* دخالت هیچ کشور خارجی برای ما قابل قبول نیست؛ این دخالتها محکوم بوده و در برابرش می ایستیم.

\* قبل از اینکه این کشور و آن کشور را ملات کنیم، باید مسایل خود را با مذاکره و مفاهمه و از طریق گفتگو حل کنیم، نه از طریق اتهامات (ص ۴)

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

## قاتل یا رئیس جمهور؟

بنیاد اندیشه

برای مخالفین این نشست چگونه میتواند توجیه گردد که اینبار با یک رئیس جمهور قانونی طرف بوده اند و با یک قاتل و غاصب قدرت که بهای حاکمیت آن ریختن خون ملت و ریختن شرف و حیثیت آن در زیر پای های قاتلان ملت (روسها) میباشد؟

روسی، بازهم در موقف با داران و سپهسالاران کارآگاه، برای ریختن خون ملت افغانستان، در بالاترین مرجع سیاسی و تصمیم گیری ملت قرار دارند. اینهمه اهانت و بی بها شدن مقاومت یک ملت با سرمایه بیشتر از یک میلیون شهید، محصول غدر و خیانت چه کسی در برابر ملت و کشور است؟

ربانی وقتی خواهان مذاکره با مخالفین است، باید قبلاً تعیین گردد که از کدام موقف سیاسی و از عقب کدام شخصیت اجتماعی و ملی با مخالفین طرف میشود و به مذاکره می نشیند. پذیرش مذاکره با ربانی، این دستاورد را برای وی خواهد داشت که به عنوان مخالف (نه دشمن) در برابر نمایندگان سیاسی اقشار ملت طرف شود، ولی برای مخالفین این نشست چگونه میتواند توجیه گردد که اینبار با یک رئیس جمهور قانونی طرف بوده اند و با یک قاتل و غاصب قدرت که بهای حاکمیت آن ریختن خون ملت و ریختن شرف و حیثیت آن در زیر پای های قاتلان ملت (روسها) میباشد؟ باید این امر کاملاً روشن گردد که مخالفین با کی طرف اند؟ با یک قاتل یا یک رئیس دولت؟ (صفحه نو)

آماده گئی برهان الدین ربانی برای مذاکرات مستقیم با مخالفین، مانور سیاسی جدیدی است که با وجود خصومت غیرانسانی با اقشار ملت، اینک میخواهد بازهم از شخصیت سیاسی و اعتقادات انسانی مخالفین، برای چهره کاذب خیرخواهانه خویش، بهره برداری سیاسی نماید و بعد از اینهمه خونریزی و فریب و نیرنگ، بازهم در کنار دیگران، موقف اجتماعی خویش را بیان دارد.

تاریخ سه سال و چند ماه حاکمیت ربانی، تاریخی است که حیثیت ملی و بین المللی ملت افغانستان را نابود کرده است. باز شدن فاز جدید مداخلات خارجی به شکل خیلی ها علنی و دیده درای آن، یکی از دستاوردهای حاکمیت غیر قانونی ربانی بوده است. غیر قابل قبول و بخشش است که امروز بازهم می بینیم که سیاست و منافع روسها، در وجود حاکمیت کنونی کابل، با ارزش تر از سرنوشت سیاسی و حق تعیین سرنوشت ملت افغانستان است. مشاورین



# هنوز هم به عدالت سیاسی باور ندارند

چطور شد که بعد از آنهمه تبلیغات خصمانه، اینک باز این مرکزیت فاجعه آفرین ملت، به جانب «جنایتکاران» و «شرارت پیشه گان» رجوع میکند و بدون نظر داشت آنهمه باورهای غیر انسانی بی که در برابر مقاومت غرب کابل و جامعه هزاره ایجاد کرده است، بقای خویش را در جوار همین «شرارت پیشه گان» می بیند؟!

تشدید فعالیت‌های حاکمیت غیر قانونی کابل برای ایجاد ائتلاف جدید، بیانگر شخصیت میان تهی و فاقد از اهلیت‌های سیاسی، اجتماعی و انسانی آن است. شیوه های تبلیغاتی فاشیسم کابل در برابر جنبش مقاومت غرب کابل، بر همه گان روشن است و تا انسانی ترین تبلیغات سیاسی تحت عنوان «باند شرارت پیشه و جنایتکار مزاری» بیانگر ظرفیت اخلاقی و سیاسی حاکمیت «شورای نظار» به عنوان «دولت اسلامی» تلقی میگردد؛ ولی چطور شد که بعد از آنهمه تبلیغات خصمانه، اینک باز این مرکزیت فاجعه آفرین برای ملت، به جانب «جنایتکاران» و «شرارت پیشه گان» رجوع میکند و بدون نظر داشت آنهمه باورهای غیر انسانی بی که در برابر مقاومت غرب کابل و جامعه هزاره ایجاد کرده است، بقای خویش را در جوار همین «شرارت پیشه گان» می بیند؟!

بدون هرگونه تردید میتوان گفت که فاشیسم کابل هیچگونه اعتقادی برای بنیانگذاری پایه های اولین نظام عدالت سیاسی در کشور ندارد. شکل و یا اشکال ارتباط سیاسی این مرکزیت انحصاری با نیروهای مقاومت با پالیسی های خاص و با نظر داشت ویژه گی های خاص اجتماعی نیروهای مقاومت عملی میگردد. همین اکنون دو کمپاین مذاکرات سیاسی حاکمیت نام نهاد با مخالفین جریان دارد! از یک جانب ناظریم که عبدالرسول سیاف، مثل همیشه نقش راه بازکننده خویش را به طرف شورای جلال آباد بازی میکند و به عنوان یکی از رهبران جهادی مقیم پشاور، از پیشینه ارتباطات خویش با مجاهدین سوء استفاده نموده و میخواهد انزوای سیاسی فاشیسم کابل را با جلب همکاری شورای جهادی جلال آباد از میان بردارد.

گروپ دیگر با «جنبش ملی-اسلامی» و «حزب وحدت اسلامی» در تماس است و بازم تمام تلاشهای آنرا تحریک احساسات نژادی

علیه جامعه برادران پشتون تشکیل میدهد. به دست

آوردن همچون زمینه نفاق افکنانه اجتماعی بر

ضد جامعه برادران پشتون بعد از رشد

گروه «طالبان» به وجود می آید که دارند به

طرف سکتاریسم جدید پیش میروند. بعد

از تشکیل «شورای هماهنگی انقلاب

اسلامی»، زمینه تبلیغاتی شورای نظار

از طریق تحریکات نژادی و سابقه

تاریخی «انحصار قدرت» از میان برداشته

شده بود و با تأسف که بیکه تازی «طالبان»،

بدون نظر داشت حضور انسانی، اجتماعی و

سیاسی دیگر ملیتهای کشور اینک، بهترین

امکان را دوباره به دست این «شورا» داده است که

بتواند به جانب جبهات مقاومت ضد فاشیستی جرأت نزدیک شدن را

پیدا کند. با صراحت باید گفت که «طالبان» اگر قبل از انحصار

قدرت با این ماهیت بیکه تازی حرکت کنند، تا بعد از هزاران کشته

و تشدید فاجعه اجتماعی ملت به تجربه کنونی «شورای نظار»

برسند، آنگاه در موقفی قرار خواهند گرفت که جز نفرت اجتماعی

ملیتهای محروم، با چیز دیگری مواجه نخواهند بود. به عبارت

دیگر، غرور قبل از حاکمیت «طالبان»، شورای نظار را که حاضر

است قدرت را تقسیم کند، در پله وزن سیاسی قرار میدهد. و

اگر قرار باشد «طالبان» صرفاً با اتکا بر محکوم نمودن جنگهای سه

ساله برای شکست انحصار قدرت سیاسی و شعارهای کاملاً

ایدئولوژیک مذهبی، اصرار بر انحصار جبهه نظامی و سیاسی نمایند،

نه تنها با دو جبهه کوچک در چهارآسیاب و میدان شهر بلکه در

سر تا سر نقاط تحت حاکمیت خویش، با مقاومت تمام اقشار ملت

مواجه خواهد شد؛ با اطمینان که جنگ بعدی در برابر «طالبان»،

بزرگترین جنگ اجتماعی در افغانستان محسوب شده و جز

گروه «طالبان» دیگر هیچکسی مسؤولیت آنرا به عهده نخواهد داشت.

کتمان بودن یک بخش مذاکرات سیاسی حاکمیت کابل در رسانه

های خبری، بیانگر مطرح بودن دو سیاست در اقدامات این حاکمیت

است. مذاکرات حاکمیت کابل زمانی میتواند صادقانه بودن این

حاکمیت را به نمایش گذارد که محتوای مذاکرات از طریق رسانه

های خبری افشاء گردد. تاکتیک «مسعود» برای بهره برداری سیاسی

## تشیع درباری،

(رویش)

## از خیانت مذهبی تا پرده گی سیاسی

(۲۳ سنبله ۱۳۷۳: آغاز یک تاریخ)

(قسمت سیزدهم)

به اذعان و اعتراف اکثریت کسانی که در جریان حوادث و قضایای غرب کابل قرار داشتند، فعالیت های دستگاه امنیت فاشیستی به همکاری عمال مؤثر آن در شبکه تشیع درباری آنچنان با دقت و جدیت دنبال می شد که هرگونه توانایی و استناد مقاومت در غرب کابل را در نقطه خنثی میساخت. آنچه که بیش از همه دست حاکمیت فاشیستی را در غرب کابل و مخصوصاً در رابطه با حزب وحدت اسلامی باز و قوی نگه می داشت، نفوذ بیش از حد عمال تشیع درباری بود که در حساس ترین موقیعت های حزبی جا داشتند و پوشش حزب وحدت اسلامی را به عنوان بهترین نقاب در راستای اغوا و اغفال مردم و نیروهای رزمی حزب وحدت اسلامی استفاده میکردند. صداقت مردم غرب کابل و ایمان شان نسبت به مقامات مسؤول و رهبری حزب وحدت اسلامی، همواره عاملی بود که اکثریت تردیدها را در رابطه با عملکرد های نفاق آلود تشیع درباری از میان می برد و چه بسا که کوچکترین نشانه صداقت و راستکاری، تمامی تردیدهای شان را زایل می ساخت. در فاجعه افشار نیز دشمن با درک همین خالیگاه بود که خطرناکترین توطئه اش را از طریق مقدس ترین چهره های مذهبی و سیاسی عملی کرد و هزاران انسان را به خاک و خون کشید.

عامل خطر ناگه در شاخه تشیع درباری در درون حزب وحدت، آن بود که اکثریت چهره های استخدام شده توسط حاکمیت فاشیستی، دارای سابقه احترام آمیزی بودند که ذهن های سطحی نگر و صادق هیچگاهی نمیتوانستند در عقب ماسک تقدس و متشجع بودن آنها، از جریان بزرگترین معامله و خیانت آگاهی داشته باشند، یا اصلاً این تصور را در ذهن خود راه دهند که شخصیت های محترمی که هر کدام ردیفی از القاب و عنوانهای مذهبی و روحانی را با خود یدک می کشند، بیایند و به قیمت خون و هستی و ناموس صادقترین پیروان خویش معامله کنند و بزرگترین ننگ تاریخ را نصیب خود سازند. درک مردم از خصومت ستراتیژیک تشیع درباری با جامعه هزاره، صرفاً در فراز و نشیب تجربه های تلخی به دست می آمد که صد ها قربانی در افشار و چنداول و غرب کابل، بهای آن بود. ملت فقیر همه چیز را باید با خود تجربه کند و جامعه هزاره در غرب کابل نیز باید صد بار از «مرصاد» (کمینگاه) تشیع در باری خنجر بخورد تا به این واقعیت دسترسی پیدا کند که خصومت این شبکه جاسوسی مذهبی به مراتب شدید تر و کینه توزتر از هر دشمن دیگر با جامعه هزاره است. صد ها قربانی باید فدیة درکی گردد که در روشنائی آن برق خنجر برهنه تشیع درباری بر فرق هزاره نمودار گردد. در بطی بودن سیر ورود این درک به ذهن جامعه هزاره، نمیتوان این جامعه را ملامت کرد؛ ولی میتوان به پیشگاه خدا از عمق و صمیمیت قلب خود نالید که «انتهای این درک به کجا خواهد کشید؟»

۲۳ سنبله، محصول احساس صادقانه جامعه هزاره نسبت به واقعیتهای زنده گی اش بود؛ یگانه دلیل موفقیت دشمن در انجام این توطئه نیز فریبی بود که از چهره های مقدس بر ذهن هزاره حاکمیت داشت، اما شکست این توطئه نیز خواست تغییر ناپذیر خدا بود که اراده کرده بود ملتی را در گذر زمان به هویت انسانی اش آشنا سازد. فاصله اولین جنگ سیاف بر علیه جامعه هزاره با آخرین توطئه شبکه تشیع درباری اندکی بیشتر از دو سال را در بر گرفت، اما دست آورد هزاره در پیمودن این راه، به وسعت تمام تاریخش گسترش می یابد. فاجعه افشار تمام باورهای «رهبر شهید» را نسبت به واقعیت ها و حقیقت های جامعه افغانستان تغییر داد و ۲۳ سنبله، بزرگترین درک سیاسی و اجتماعی او را از موضعگیریها و عملکرد های مطرح در جامعه افغانستان به پخته گی رساند که: «در افغانستان، شعارها مذهبی اند، اما عملکردها نژادی». حاصل این درک حماسه غرب کابل بود و بهای آن نیز خون رهبر یک ملت.

تا فاجعه افشار پیش نمی آمد و تا توطئه ۲۳ سنبله به مرحله اجرا نمی رسید، سیدحسین انوری، شیخ آصف کندهاری، سیدهادی، سید علی جاوید، سید مصطفی کاظمی، سیدعالمی بلخی، سیدابوالحسن فاضل سیدرحمت الله مرتضوی، حجت الاسلام و المسلمین استاد اکبری، و ده ها چهره مقدس و محترم از پرده تقدس و احترام بیرون نمی آمدند. خون انسان فقیر در غرب کابل، اگر دیگر هیچ دست آوردی نداشته است، حد اقل این دست آورد را داشته است که جامعه هزاره به واقعیت انسانی خود- آنچنانکه هست و آنچنانکه در ذهن دیگران تصویر دارد- آگاه شود.

(ادامه دارد)

از مذاکرات سری، فعلاً شناخته شده است و دیگر هیچکسی نمیتواند که به تعهدات عقب پرده «شورای نظار» باور داشته باشد که در اولین فرصت برای انحصار قدرت بیکه تازی، به آنها خیانت میکند. پنهان بودن محتوای مذاکرات و مشکلات مطرح میان طرفین و همچنان اعلان نشدن شروط نیروهای مقاومت برای اساس گذاری پایه های عدالت سیاسی، به خودی خود عدم صداقت حاکمیت انحصاری کابل را هویدا میسازد.

موجودیت سیاف به عنوان مهره بی که با ویژه گی های اجتماعی و روانی جامعه برادران پشتون باب مذاکره را باز میکند، بیانگر جنبه دیگر بی صداقتی رژیم کابل است. افشاء نشدن محتوای مذاکرات سیاف در جلال آباد، بازم زمینه خیانت بعدی حاکمیت کابل خواهد بود. ملت افغانستان از تمام این مذاکرات هیئتقدر میداند که فلان هیأت به رهبری فلان کس عازم جلال آباد و مزار شریف و بامیان شد.

مذاکرات سیاف با محترم پیر سیداحمد گیلانی از هردو جانب امید بخش اعلان میشود. حالآنکه موضعگیری سیاسی و اجتماعی حزب محاذ ملی واتحاد سیاف از زمین تا آسمان مخالف یکدیگر اند. چگونه ممکن است که سیاف میتواند از مذاکرات خویش با آقای گیلانی راضی برگردد و برعکس آقای گیلانی نیز مذاکرات را امید بخش بخواند؟ برای آنانیکه شناخت کامل از مواضع سیاسی و اجتماعی این دو حزب دارند، روشن میگردد که هردو جناح باید از مواضع

سیاسی خویش به نفع «امیدبخش» شدن مذاکرات عدول کرده باشند و به

توافقاتی نیز رسیده باشند!

ملاحظه میگردد که تماسهای حاکمیت کابل با جبهات مقاومت و کتمان بودن محتوای تمام مذاکرات و خاموش نگهداشتن رسانه های خبری برای نا آگاهی از چگونه گی مشکلات مطرح در مذاکرات، عدم صداقت رژیم غیرقانونی کابل را به نمایش

گذاشته و این امر را به اثبات میرساند

که گرایشات کنونی فاشیسم کابل به جهت مخالفین، صرفاً یک تاکتیک برای باختن زمینه ادامه حیات غیر قانونی آن در کابل است.

مذاکراتی میتوانند صادقانه باشند که ملت از محتوای آن باخبر باشد. چون در صورت خیانت طرفین

محکمه ملت، هیچگاهی مقصر را نخواهد بخشید.

اگر جنگ جبهات ضد فاشیستی برای عدالت سیاسی و برای دادن حق تعیین سرنوشت برای ملت بوده است،

این امر را نیز باید حاکمیت غیر قانونی کابل بداند که بدون پخش نمودن مواضع سیاسی و اجتماعی طرفین

مذاکره، ناممکن است که اتحاد جدید به وجود بیاید؛ چون بر همه روشن است که ائتلاف های سیاسی کنونی،

مستقیماً جبهه مشترک نظامی را نیز به وجود می آورند؛ و این امر نیز روشن است که مبارزه برای عدالت

سیاسی و شکستن روحیه خود بزرگ بینی سیاسی و اجتماعی انحصارگران، ناگزیراً به جهت جنگ اجتماعی

گسترش می یابد. برای اینکه جنگ اجتماعی کنونی به نفع عدالت سیاسی و اجتماعی در کشور خاتمه یابد،

باید حتماً ملت افغانستان از محتوای مذاکرات با خبر باشد، تا در تاریخ چهره خاین و سفاک تمیز شود. ●

### تاکتیک «مسعود»

برای بهره برداری سیاسی از

مذاکرات سری، فعلاً شناخته شده

است و دیگر هیچکسی نمیتواند که به

تعهدات عقب پرده «شورای نظار» باور

داشته باشد که در اولین فرصت برای

انحصار قدرت بیکه تازی،

به آنها خیانت میکند.



محترم انجنیر حکمتیار، امیر حزب اسلامی افغانستان در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار «صفحه نو»:

## ما نسبت به شعارها و آرمانهای خود احترام داریم و برای حفظ آنها ثابت و استوار باقی خواهیم ماند



\* ما از اول نهضت، علیه شرق و غرب، علیه نام استکبار و کشور های استعماری علی السویه شعار داده و مرگ گفته ایم و هنوز هم بر آن استواریم.

\* احزابی به تغییر شعارها و آرمانهای خود مجبور می شوند که دارای آرمان ثابت و استواری نیستند.

**حرکت ما یک حرکت محض سیاسی نبوده که با تغییر شرایط دچار نوسان شود.**

**\* حرکت و نهضت اسلامی ما با توطئه های گوناگون مواجه بوده است.**

ما که به ایدئولوژی اسلام ایمان آورده ایم و اعتقاد داریم، با توجه به واقعیتهای اجتماعی جامعه ما و یاد رک از ضرورت و نیازمندی ملت و مردم ماست و من به شما اطمینان میدهم که هیچگونه تغییری، هیچگاه و در هیچ شرایطی در آنها پیش نخواهد آمد.

متن حاضر، مصاحبه اختصاصی خبرنگار «صفحه نو» با محترم انجنیر حکمتیار، امیر حزب اسلامی افغانستان است که در اقامتگاه ایشان در شهر جلال آباد، صورت گرفته و طی آن مسایل گوناگون سیاسی و اعتقادی مورد بحث قرار گرفته است.

عنوان کسی که پیشگام حرکت اسلامی یا ایدئولوژی اسلامی در جامعه بوده اید، حتی بر الزامات ایدئولوژیک تان تأثیر گذاشته باشد؟

ج: اگر تأثیر گذاشته باشد، تأثیر مثبت است. التزام بیشتر می شود. پابندی نسبت به راه، آرمانها و شعارها بیشتر می شود. در این هیچ شکنی نیست که برداشتهای ما از اسلام تغییرات زیادی کرده است. شناختی که ما قبلاً از اسلام داشتیم تا امروز فرق زیادی کرده است. امروز ما اسلام را بهتر و بیشتر شناخته ایم. عمق ما بیشتر شده است. تجارب و فهم ما زیادتر شده است، روشن است که ما شعار های مقطعی هم داشتیم که مربوط به یک زمان خاص بودند و به خاطر شرایط خاص ما ناگزیر میشدیم که آنها را انتخاب کنیم. مثلاً در دوران جهاد ما شعار های خاص داشتیم که با تغییر شرایط، خود به خود آنها را کنار نهادیم. دیروز ما همه شعار های خود را علیه روسها عیار ساخته بودیم، حتی کمونیست ها را نام نمی بردیم، چون مسأله اساسی، قوای اشغالگر روسها بود، همه چیز در دست آنها بود و تمام خصومت ها در واقع مربوط آنها می شد، اما پس از خروج روسها و بخصوص پس از سقوط رژیم کمونیستی، امروز ما با وضعیت دیگری مواجه هستیم که نیاز به شعار های تازه تری دارد. تا جاییکه مسأله مربوط به شعار های مقطعی و شعار هایی میشود که مربوط یک زمان خاص است، طبعاً موضع ما تغییر میکند و با تکامل اوضاع و پیشرفت حوادث شکل دیگری می گیرد. اما در جاییکه مسأله مربوط میشود به شعار های ثابت و شعارهایی که نماینده گی از آرمانهای ثابت می کنند، هیچگاهی دچار تردید نخواهیم شد و همیشه نسبت به آنها التزام خواهیم داشت. (ادامه دارد)

مجبور می گردند که شعارها و آرمانهای خود را تغییر دهند و به آنها تجدید نظر کنند، مشکل احزابی است که دارای آرمان ثابت و استواری نیستند و هر روز با تغییر شرایط، در هر پیچ و خم، در هر فراز و نشیب دچار نوسان می شوند و تغییر می کنند، ولی حزب اسلامی دارای آرمان و شعار های واضح است. ما که به ایدئولوژی اسلام ایمان آورده ایم و اعتقاد داریم، با توجه به واقعیتهای اجتماعی جامعه ما و با درک از ضرورت و نیازمندی ملت و مردم ماست و من به شما اطمینان میدهم که هیچگونه تغییری، هیچگاه و در هیچ شرایطی در آنها پیش نخواهد آمد.

س: انجنیر صاحب، معمولاً در جریان مبارزات انقلابی و مخصوصاً مبارزاتی که بار سیاسی و پارایدئولوژیک داشته باشند، خواهی نخواهی یکمقدار مشکلاتی پیش می آید؛ بدین معنی که وقتی کسانی بیایند حرکت ایدئولوژیک انقلابی اسلامی را در جامعه بی مثل جامعه ما به اسلام اعتقاد دارد، راه بیندازد، طبیعی است که در ابتدای امر بیشتر شکل آرمانی خواهد داشت تا شکل واقعیتها؛ و مخصوصاً احزاب سیاسی هستند که بیشتر دچار چنین تناقضی میشوند؛ یعنی خواهی نخواهی میان آرمانهای ایدئولوژیک و عملکرد های سیاسی شان فاصله هایی پیش می آید و این مسأله در هر جریانی قابل درک و تشخیص است. میخواستم پرسیم که آیا چنین تناقضی پیش پای حزب اسلامی به عنوان یک حزب سیاسی بی که در عین حال کار ایدئولوژیک داشته است، پیش آمده است یا خیر؟

ج: تا هنوز نه؛ و مطمئناً که در آینده هم پیش نخواهد آمد. عرض کردم که حرکت ما یک حرکت محض سیاسی نبوده که در مرحله عمل با مشکل مواجه شود. اصولاً باید بگویم که ما در مبارزه و نهضت اسلامی خود راه طی شده بی را انتخاب کرده ایم؛ راهی که قبلاً طی شده و از آزمون ها و امتحانات گوناگونی عبور کرده است. اینطور نبود که ما وقتی که وارد صحنه شدیم، هیچگونه شناختی از آغاز راه خود نداشتیم. قبل از ما کسان زیادی در این راه رفته بودند. واقعیت امر این است که هر حرکتی که با ایدئولوژی اسلامی مجهز باشد و اسلام مشعل راه و راهنمایش باشد، هیچگاهی و در هیچ مرحله بی دچار تناقض نمیشود، چون برای او همه چیز واضح است. اسلام همه آرمانها و شعارهایش را روشن ساخته است. او این آرمانها و شعارها را صد در صد منطبق با اوضاع میباید و با این مشکل مواجه نمی گردد که مجبور شود از آرمانها و شعارهای خود فاصله بگیرد. این حرکت های مجرد سیاسی، حرکت های محض سیاسی اند که با هر پیچ و خم شعارهای خود را تغییر میدهند، و ناگزیر اند که در هر چند قدم و در هر مرحله رنگ دیگری بگیرند و شعار دیگری انتخاب کنند. ما یک ایدئولوژی کاملاً روشن و واضح داریم که در هر زمان راه صاف و روشنی را پیش پای ما قرار میدهد، در هر بخش تکلیف ما را روشن میکند، و ما از روزیکه وارد مبارزه شده ایم کمتر مواجه با حالاتی شده ایم که ناگزیر باشیم شعارهای خود را تغییر بدهیم و آنها را به خاطر عدم انطباق شان با اوضاع و شرایط کنار بگذاریم. واقعیت امر این است که ما هیچگاهی شعار خود را که در ابتدا انتخاب کرده بودیم، تغییر نداده ایم و تغییر نخواهیم داد. این را به شما اطمینان میدهم.

س: انجنیر صاحب، آیا شما عنصر زمان را برای اثر گذاشتن در تکامل شعور اجتماعی و مخصوصاً درک از مبانی اعتقادی ذی دخل میدانید یا نه؟ یعنی وقتی که یک انسان در جریان زمان حرکت میکند، طبیعی است که ذهنش هم تکامل نموده و شعور و برداشتش نسبت به قضایا و حتی نسبت به مبانی ایدئولوژیکش تغییر میکند. آیا شما معتقد به این نیستید که همچون عنصری در برداشتهای شما هم تأثیر داشته است؟

ج: بلی، اشخاص تغییر میکنند؛ افکار و برداشتهایش نسبت به مسایل هم تغییر میکنند. انسان همان گونه که تولد می شود، رشد می کند، جوان می شود، تغییر میکند، به عمق می رسد. ما هم طبعاً که شاهد این تغییر در برداشتهای خود بوده ایم. ولی هدف از سوال شما ایدئولوژی بود که گفتم آرمانها و شعارها ثابت اند، راه مشخص است و اینها هیچگاهی تغییر نمی کنند. اما ما خود تغییر کرده ایم؛ خیلی تغییر کرده ایم؛ برداشتهای ما از راه، از اسلام تغییر کرده و تکامل پیدا کرده است.

س: آیا فکر نمی کنید که این تغییر در برداشتهای نظریات خود تان به

س: تقریباً سه دهه از آغاز مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی نهضت اسلامی در افغانستان می گذرد و مخصوصاً شما یکی از پیشگامان تحریک اسلامی در افغانستان بوده اید؛ میخواستم پرسیم که با توجه به تغییر شرایطی که در کشور پیش آمده، چه مقداری از شعارها و آرمانهای اولیه شما حصول شده و تا چه مقداری از آنها فاصله گرفته اید؟

ج: بسم الله الرحمن الرحیم... ۲۷ سال قبل، اساس نهضت اسلامی در کشور ما گذاشته شد. در مرحله بی که این نهضت آغاز شد، زمینه فعالیت سیاسی برای جنبش های اسلامی بسیار نا مساعد بود. سازمانهای غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی با آزادی تمام فعالیت داشتند و با امکانات وسیعی که در اختیار شان بود، به شکل گسترده تبلیغ و فعالیت می کردند، تظاهرات برپا نموده و شعار میدادند. حکومت هم که به نحوی وابسته به قدرتهای بیرونی بود، زمینه فعالیت این سازمانها را باز گذاشته بود. کمونیست ها در پوهنتون ایدئولوژی و افکار انحرافی خود را در بین جوانان و محصلین پخش می کردند. اما برای نهضت اسلامی، بر عکس، زمینه به هیچصورت سازگار نبود. از لحاظ سیاسی ما شدیداً تحت فشار

بودیم؛ مامورین حکومت محصلین مسلمان را تعقیب می کردند و زندانی می ساختند. از لحاظ اقتصادی هم هیچگونه امکانات نداشتیم؛ یک جمع محصلینی بودیم که به اسلام ایمان داشتیم؛ به ارزشهای اسلامی معتقد بودیم؛ ولی کاملاً فقیر و دچار تنگدستی. حرکتی را هم که ما آغاز کردیم، طبعاً در ابتدای امر حرکتی نبود که با کمونیست ها و سایر احزاب و سازمانهای غیر اسلامی قابل مقایسه بوده باشد؛ یک حرکتی کاملاً ابتدایی و نوپا. هدف ما بیشتر آن بود که در جامعه خود از خطر رشد افکار انحرافی و غیر اسلامی که جامعه را به فساد تهدید می کرد، جلوگیری کنیم و این را هم اعتراف میکنیم که ما در بدو امر یک حرکت عکس العملی داشتیم؛ عکس العمل در برابر ظلم و استبداد؛ در برابر حرکت هایی که برای ریشه کردن ارزشهای الهی در کشور ما به راه افتیده بود. از روزیکه احزاب کمونیستی در کشور آغاز به فعالیت نموده بودند، تا زمانیکه ما کار خود را شروع کردیم، حوادث زیادی شکل گرفته و افکار زیادی در بین جوانان پخش شده بود. آنها وسیعاً کار می کردند و وسیعاً پیش می رفتند. این کار و پیشرفت کمونیست ها جامعه را دچار نگرانی ساخته بود؛ مخصوصاً جوانانی که احساس و درک داشتند، از وضعیت ناراضی بودند، تا اینکه این جوانان یکجا شدند و حرکت هایی را در داخل پوهنتون و در مراکز تعلیمی راه انداختند. شعار هایی را که آنروزها انتخاب کرده بودیم، شعار های صد در صد اسلامی و منطبق با ارشادات الهی بود؛ ما از همان زمان تا کنون در پای آن شعارها و آرمانهای خود صادقانه، صبور و استوار ایستاده ایم و هیچگونه تغییر و انحرافی را در آن راه نداده ایم. در آن زمان موسسین نهضت اسلامی یازده نفر بودند که از جمله آنها ده نفر شهید شدند و به وعده بی که با خدای خویش کرده بودند، وفا نمودند و به لقاء الله پیوستند؛ تنها من مانده ام که تا کنون به این فیض نرسیده ام. اما از همان روز تصمیمی را که داشتیم و تا حالا ادامه دارد این است که بر شعارها و آرمانهای خود ثابت و استوار و محکم باقی خواهیم ماند و هیچگونه تغییری را در آنها راه نخواهیم داد.

ما همچنان به این شعارها التزام داریم، تعهد ما با خون برادران و شهیدان ما بر سر همین شعارها و آرمانها است. ما از اول نهضت علیه شرق و غرب و علیه تمام استکبار و استعمار، علی السویه شعار داده و مرگ گفته ایم و تا هنوز هم میگوئیم. مشکلی که بعضی احزاب در نیمه راه با آن مواجه می شوند و

### انحصار طلبی و خصومت با...

و حاکمیت انحصاری را یاد آوری کرده، خصومت آنان را در برابر مجموع اقشار ملت و مخصوصاً حزب وحدت اسلامی و مردم متعلق به آن، مورد انتقاد قرار دادند. دبیر کل محترم حزب وحدت اسلامی یار دیگر بر مشی صلحجویانه، این حزب تأکید نموده، اظهار امیدواری کردند که انکشاف قضایا و درک واقعیت های اجتماعی کشور، شورای نظار و آقایان ربانی و مسعود را به این امر متقاعد سازد که نمیتوانند در برابر آرمانهای عمومی ملت مقاومت کنند. ایشان در قسمتی از صحبت های خویش بیان داشتند که انحصار طلبی و خصومت با خواسته های عمومی ملت، اساسی ترین عامل بحران کشور است که متأسفانه آقایان ربانی و مسعود در طول سه سال و نیم گذشته پیشگامان اصلی این بحران به حساب می آیند. استاد خلیلی گفتند: در افغانستان باید حاکمیتی ایجاد شود که حقوق همه اقشار کشور را احترام بگذارد؛ اکنون ثابت شده است که هر کسی و هر جناحی که بدون نظر داشت ترکیب و واقعیتهای اجتماعی کشور عمل کند، محکوم به شکست است.

خبرنگار «صفحه نو» در ختم گزارش خود می نویسد که هیأت حاکمیت انحصاری، ضمن اعتراف بر اشتباهات گذشته خویش، اظهار امیدواری کردند که در آینده نزدیک گام های اساسی در راه خاتمه یافتن معضلات کشور برداشته شود.



در مصاحبه با بخش فارسی رادیو بی بی سی

محترم آقای ذکی به حیت والی ولایت بامیان...

## محترم استاد خلیلی پیرامون انکشافات اخیر در اوضاع سیاسی کشور روشنی انداختند

همزمان با انکشافات اخیر سیاسی که

در روند حل قضایای کشور رونق شده است، محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی، طی مصاحبه بی بی سی با بخش فارسی رادیو بی بی سی، دیدگاههای حزب را در رابطه با مسایل گوناگون توضیح دادند که متن کامل آن را در اینجا به نشر می رسانیم:

استاد خلیلی در رابطه با وضعیت حساس کنونی بیان داشتند: ما از وضعیت کنونی، بخصوص به خاطر شهر وندان کابل که در بدترین وضع هستند، شدیداً ناراحت هستیم؛ ولی این بر می گردد به جناب استاد ربانی و کسانی که در کابل هستند که تصمیم بگیرند این وضعیت چه وقت باید تغییر کند. ما بار ها گفته ایم که جنگ راه حل نیست؛ استاد مزاری شهید همیشه بر این امر تأکید داشت و ما هم تأکید داریم، ولی بیش از این کلید قضایا در دست استاد ربانی و حاکمیت کابل است که کشور و بخصوص شهر وندان کابل را چگونه از این وضعیت فعلی بیرون می آورند.

س: شما و حزب شما در این معادله، صلیحی که برای افغانستان در نظر دارید، یعنی حکومت تراگیری که میخواهید، «طالبان» را در کجای این

معادله قرار میدهید؟

ج: این بحث مربوط است به گفتگو های بعدی؛ فعلاً ما نظر خاصی نداریم. آنچه که امروز میتوانیم بگوییم این است که همه افراد و دسته جاتی که شما اشاره کردید، یک بخش از افغانستان را تشکیل میدهند و قطعاً باید مسأله شان در آینده کشور حل شود. این یک مقوله بعدی و مربوط به گفتگو های بعدی است.

س: علاؤالدین بروجردی معاون وزیر امور خارجه ایران در سفر های متعددی که به افغانستان میکند، طرح صلیحی دارد که میخواهد آن را اجرا کند، یعنی ایران اعلان کرده که میخواهد درجریانات افغانستان میانجی شود، نظر شما راجع به میانجی گری ایران چیست؟

ج: ما از هر کشور و هر دولتی که بخواهد مردم افغانستان را کمک کند تا این وضعیت فعلی تغییر کند، استقبال میکنیم؛ ولی کار اصلی مربوط به خود ما و خود حلقهات و دستجات داخلی است که باید در رابطه با کشور و مردم شان تصمیم بگیرند. در این راستا ما کمک هر کشور و هر منبعی را که باشد، تأیید میکنیم و استقبال میکنیم.

س: گروههایی که با «طالبان» می

جنگند، معتقد اند که «طالبان» یک نیرویی است که از طرف پاکستان تقویت شده و به حساب یک نیروی اشغالگر از طرف پاکستان در داخل افغانستان است. شما نظر تان در این باره چه است؟

ج: آنچه که من میتوانیم بگوییم این است که ما به عنوان یک مجموعه افغانی با «طالبان» باید گفتگو داشته باشیم و به جای اینکه این کشور و آن کشور را ملامت کنیم، بیاییم و مسایل خود را با مذاکره و مفاهمه و از طریق گفتگو حل کنیم، نه همچون اتهامات؛ ولی روزیکه ثابت شود که کشورهایی در امور داخلی افغانستان دخالت می کنند، هر کشوری که باشد، از دیدگاه ما به هیچ وجه قابل قبول نیست؛ محکوم است و در برابرش می ایستیم.

س: اگر قرار باشد حکومتی در افغانستان به وجود بیاید که تمام گروهها در آن شرکت داشته باشند، آیا شما حاضرید بپذیرید که آقای ربانی و احمدشاه مسعود هم در این شورا باشند؟

ج: یک چیز طبیعی است. آقای ربانی و آقای مسعود افغانی اند و دارای یک حزب و بخشی از مردم افغانستان اند. ما به هیچ وجه نمیتوانیم و این معقول هم نیست که بگوییم اینها دیگر در امور کشوری به هیچ وجه سهم نداشته باشند.

اعضای محترم شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۹ که تحت ریاست محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب دایر گردید، آخرین انکشافات در رابطه با قضایای سیاسی کشور مورد بحث و بررسی قرار داده و در زمینه های لازم تصمیم مقتضی اتخاذ نمودند.

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» در این جلسه همچنین گزارش مفصلی از وضعیت اداری ولایت بامیان توسط یکی از اعضای محترم شورای مرکزی ارائه گردید و پس از بررسی همه جانبه، محترم آقای ذکی به حیت والی این ولایت مقرر شد. طبق این گزارش، محترم استاد خلیلی، در مورد اداره بهتر امور و رسیدگی به مشکلات مردم و امنیت مجموع ولایت بامیان، رهنمود های مشخصی را برای والی محترم ولایت بامیان ارائه داشتند.

### یکبار دیگر تاکتیک صلح و جنگ...

تاکتیک صلح و جد، تاکتیک آزموده شده، فاشیستان کابل است.

گفت: با این تهاجم ماهیت کاذبانه، هیات های صلح نیز افساء گردید و یکبار دیگر ثابت شد که سران حاکمیت فاشیستی، از تاکتیک صلح و جنگ برای حفظ و بقای انحصار قدرت سیاسی خویش سز استفاده مینمایند. این منبع افزود: حزب وحدت اسلامی با تأکید بر مشی صلحجویانه خود، هر باری که حاکمیت فاشیستی به صلح قابل نشان داده است، از آن استقبال نموده و حسن نیت خود را آشکار ساخته است؛ اما متأسفانه که مسعود و ربانی هیچگاهی صادقانه عمل نکرده و هر بار از ارسال هیات و گشودن باب مذاکره به عنوان آغاز یک حمله جدید استفاده کرده اند. این منبع در ختم اظهارات خود یادآوری نمود که نیروهای حزب وحدت اسلامی تحت هر گونه شرایطی برای دفاع از آرمانها و حریم عزت مردم خود مصمم و استوار خواهند بود و خیانت های مکرر حاکمیت انحصاری صرفاً زمینه آخرین حسن نیت ها در برابر آن را از میان خواهد برد.

خبرنگار نظامی «صفحه نو» از ولایت پروان گزارش میدهد که در پی ورود هیات حاکمیت فاشیستی به بامیان و اعتراف به اشتباهات جبران ناپذیر گذشته، «شورای نظاره»، نیروهای نظامی این حاکمیت دست به تهاجم شدیدی علیه مواضع دفاعی حزب وحدت اسلامی زدند که در اثر مقاومت و پایداری مدافعین جبهه ضد فاشیستی به شکست انجامید و دشمن با برجا نهادن چندین کشته و زخمی و دار به عقب نشینی گردید. به تعقیب این شکست، نیروهای تازه نفس حاکمیت فاشیستی از جبل السراج و چاریکار به منطقه گسیل شده و تهاجم دوباره خود را آغاز کردند که تا لحظه ارسال گزارش، جنگ با شدت تمام ادامه داشته است.

یک منبع مسؤول در قول اردوی حزب وحدت اسلامی، ضمن تماس با خبرنگار «صفحه نو»، حمله اخیر حاکمیت فاشیستی را نشانه عدم صداقت این حاکمیت به تعهدات و مذاکراتش خوانده

## شبکه تشیع درباری از توافقات آتش بس، برای پخش پول و خرید عناصر معامله گر استفاده میکند

\* توافقات آتش بس و جلوگیری از جنگ در هزاره جات به وساطت جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته بود.

عملکرد های نفاق آلود در هزاره جات نشانه هماهنگی سیاست ایران، تشیع درباری و حاکمیت فاشیستی کابل میباشد.

شیخ علی کاملاً در همسویی و هماهنگی با هم قرار داشته و بار دیگر هر دو دشمن از یک سنگر بر سینه مردم ما شلیک کردند. وی علاوه کرد: یکی دیگر از خیانتهای نفاق آلود تشیع درباری و عمال سر سپرده آن در داخل و خارج از کشور این است که حصول توافق اخیر مبنی بر تأمین آتش بس و جلوگیری از جنگ در هزاره جات را به عنوان «وحدت سیاسی حزب وحدت با تشیع درباری» تبلیغ کرده و بدینوسیله تلاش کرده اند که خود را مشروعیت بخشند و سپس در سایه همین مشروعیت ماهیت توطئه بار همیشگی خود را آشکار سازند. مقام مذکور در ختم اظهارات خود تأکید کرد که حزب وحدت اسلامی دارای آرمان و راه روشنی می باشد که با خون پاک رهبر شهید و هزاران انسان آزاده و سربلند غرب کابل ترسیم گردیده و دبیر کل حزب وحدت اسلامی نیز بر آن تأکید کرده است؛ فراز و نشیب های مسیر مبارزه عادلانه ما با گذشت هر روز حقانیت راه ما و کینه و خصومت دشمنان ما را بیشتر از پیش هویدا می سازد و مردم آگاه ما را با تجارب تازه تر و عمیق تر مجهز مینماید.

دست به اغتشاش آفرینی تازه می زد که بار دیگر زنده گی آرام مردم ما را در برخی از ساحات تحت کنترل حزب وحدت اسلامی مختل نمود. منبع مذکور به خبرنگار ما اظهار داشت که عملکرد های نفاق آلود اخیر در هزاره جات، نشانه تازه بی از هماهنگی سیاست ایران، شبکه تشیع درباری و حاکمیت فاشیستی کابل میباشد که مشترکاً بر علیه مردم ما دست به فعالیت می زنند. وی افزود: حزب وحدت اسلامی همواره مصالح و منافع علیای مردم خود را در نظر داشته و طبق آن، هر صدایی را که جهت تأمین امنیت و آسایش مردم بلند شده است، صمیمانه لیبیک گفته است؛ اما متأسفانه که دشمنان جامعه ما چون دارای خصومت استراتژیک و عقده های سرکوفته می بر علیه مردم مصمم و سربلند ما هستند، همواره از این پیشامد سالم حزب وحدت اسلامی به عنوان فرصتی در راستای توطئه های تازه تر استفاده می کنند؛ چنانچه که تحركات نظامی اخیر در بعضی از نقاط هزاره جات همزمان با آغاز حملات شدید حاکمیت فاشیستی بر جبهه دفاعی

همزمان با توافق برای آتش بس و جلوگیری از جنگ داخلی در هزاره جات، شبکه تشیع درباری ماهیت نفاق آلود و خصمانه خود را آشکار نموده و با استفاده از فرصت به دست آمده، جنگهای شدیدی را در منطقه اشترلی و جنگان بر علیه مدافعین حزب وحدت اسلامی آغاز نموده و پولهای حاکمیت فاشیستی را به منظور خرید عناصر معامله گر وضعیت النفس پخش کرده است. خبرنگار «صفحه نو» به نقل از یک مقام مسؤول در حزب وحدت اسلامی، می نویسد که چندی قبل هیات جمهوری اسلامی ایران وارد بامیان شده و ضمن دیدار با دبیر کل حزب وحدت اسلامی، پیشنهادی را مبنی بر تأمین آتش بس و جلوگیری از جنگ داخلی در هزاره جات ارائه داشت که از جانب مقام محترم رهبری حزب وحدت اسلامی مورد استقبال قرار گرفت، اما شبکه تشیع درباری که همواره از موضع خاینانه بر علیه جامعه ما عمل کرده است، اینبار نیز از حسن نیت و آماده گی حزب وحدت اسلامی برای قطع جنگ و در گیری در هزاره جات بهره برداری سز نموده و

## محترم حضرت صاحب مجددی مورد استقبال مسرولین شورای هماهنگی قرار گرفت

روز یکشنبه ۱۳۷۴/۱۰/۱۱ محترم حضرت صاحب مجددی، رهبر جبهه ملی نجات افغانستان، پس از اقامت چند ماهه در دافارک وارد اسلام آباد پاکستان گردیده و با استقبال گرم اعضای شورای عالی هماهنگی و سایر رجال سیاسی و جهادی کشور مواجه شد.

خبرنگار «صفحه نو» به نقل از یک مقام مسؤول در شورای هماهنگی می نویسد که پس از استقبال در میدان هوایی، اعضای محترم شورای عالی هماهنگی با جناب حضرت مجددی در اقامتگاه ایشان در اسلام آباد پیرامون آخرین انکشافات در اوضاع سیاسی - نظامی کشور و دیدگاههای شورای هماهنگی بحث و بررسی به عمل آورده و بر نقش مثبت و برجسته حضرت صاحب در قضایای کشور تأکید نمودند.

همچنین حضرت صاحب مجددی نیز از حسن نظر اعضای شورای هماهنگی تقدیر نموده، مواضع و دیدگاههای خویش را در مورد مسایل کشوری مفصلاً توضیح دادند. لازم به یاد آوری است که آقایان محترم دکتر طالب، مولوی عبدالباقی ترکستانی و بهیر غیرت از سوری شورای هماهنگی در این دیدار حضور داشتند.

## یک منبع مسؤول در حزب وحدت اسلامی: گزارش رادیو مشهد مبنی بر راهی اسیران حزب وحدت توسط حاکمیت انحصاری کابل بی اساس است

\* تاکنون هیچکدام از اسیران حزب وحدت اسلامی رها نگردیده اند.

\* همزمان با اعلام خبر قوت از رادیو مشهد، شورای نظار تهاجم شدیدی را علیه خطوط دفاعی حزب وحدت اسلامی به راه انداخته بود.

\* رادیو مشهد باید از تبلیغات دروغین و نایمات بی اساس خود داری کند.

یک منبع مسؤول در حزب وحدت اسلامی، ضمن تماس با خبرنگار «صفحه نو» اظهار داشت که پخش گزارش رادیو مشهد مبنی بر راهی یکتعداد از اسیران حزب وحدت اسلامی توسط حاکمیت انحصاری کاملاً دروغ و بی اساس بوده و تا کنون هیچکدام از اسیران حزب

بازیهای مقطعی و انحرافی کشور خویش نسازد.